

## اسلام ستیزی با سیاه نمایی تاریخ

سیاه کاری چهره‌ی اسلام و مسلمانان پردازند تا از این طریق، نقد زندگی خود پیامبر نیز سهل و آسان بشود. یکی از ابزارهایی که در این راستا به کار گرفته می‌شود، مسأله‌ی مظلوم نمایی یهودیان در منطقه‌ی عربستان است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نخست، با قبیله‌ی «بنی قینقاع»، و سپس «بنی النضیر» و «بنی قریظه» پیمان بست. سپس به عللی دو قبیله‌ی نخست را از مدینه بیرون راند و بنی قریظه را به علت پیمان شکنی سخت مجازات کرد.

سپس به این اکتفا نکرد و با یهودیان خیبر وارد جنگ شد. دژهای آنان را یکی پس از دیگری گشود و همه را تحت سیطره‌ی خود درآورد.<sup>(۱)</sup>

آنچه در این گزارش آمده است، به

گزارش‌های پیاپی، حاکی از آن است که مردم مغرب زمین، گرایش خاصی به اسلام پیدا کرده و خانواده‌ها یکی پس از دیگری در مناطق مختلف به آیین اسلام، مشرف می‌شوند. آنان، از نزدیک جامعه‌های کوچک اسلامی را در مغرب زمین مشاهده می‌کنند و جاذبه‌های این آیین پاک را درک می‌کنند؛ بالأخص که زن در این آیین، موقعیت خاصی دارد و ابزار سیاست و تجارت نیست و مرد خانه در خدمت خانواده می‌باشد.

پیوند ناگسستنی و مهرورزی مجموع خانواده به یک‌دیگر، یکی از انگیزه‌های مهم آنان برای پذیرش اسلام است که تفسیر این مطالب برای خود، مقاله‌ی گسترده‌ای می‌خواهد. سیاسیون غرب، برای جلوگیری از این گرایش، ملحدان را استخدام نموده‌اند تا به

۱. سایت «شفاف»، اول ژوئن ۲۰۰۹.

ضرری به او برسانند یا اسلحه و مرکب در اختیار دشمنان بگذارند. هرگاه بر خلاف این پیمان عمل کنند، پیامبر ﷺ در ریختن خون آنان و ضبط اموال و دارایی‌های آنان و به اسارت گرفتن زنان و فرزندان آنان، دست باز و اختیار کافی خواهد داشت.

جالب توجه این که این پیمان که ۲۷ بند دارد، به وسیله‌ی رهبران هر سه گروه از قبایل مدینه امضا شده است:

۱. از طرف قبیله‌ی بنی قین قاع، مخربق؛

۲. از طرف قبیله‌ی بنی نضیر، حی بن اخطب؛

۳. از طرف بنی قریظه، کعب بن اسد. (۱)

حال، اگر این گروه پشت سر پیامبر ﷺ دست به خیانت و توطئه‌ای بزنند آیا شایسته‌ی مجازات نخواهند بود؟ اکنون به طور اجمال، به خیانت‌های آنان اشاره می‌کنیم:

۱. یهودیان قبیله‌ی «بنی قین قاع» در داخل مدینه زندگی می‌کردند و قدرت

طور اجمال، صحیح و پابرجاست، ولی هرگز آنان به علل این نوع براندازی‌ها نمی‌پردازند که چرا پیامبر ﷺ این گروه‌ها را از مدینه و به یک معنا از شبه جزیره‌ی عربستان بیرون راند و فقط به سیاه‌نمایی پرداخته‌اند. هدف آنان، خشن نشان دادن دین اسلام و پیامبر اسلام، و مظلوم‌نمایی برای یهودیان و توجیه وحشی‌گری‌های رژیم «اسرائیل» و متحدان آن است.

حقیقت این است که آنان بر طبق پیمانی که با پیامبر بسته بودند، مجازات شدند و آنان مجازات را در پیمانی که با او بسته بودند، پذیرفته بودند، اینک به اجمال این مطلب می‌پردازیم:

### بزرگترین سند تاریخی برای محکومیت یهودیان عربستان

پیامبر گرامی ﷺ، پس از ورود به مدینه و گرایش اکثریت «اوس» و «خزرج» به ایشان، یک سند تاریخی با سران یهودیان مدینه امضا کرد و یکی از مواد آن پیمان این است: «امضا کنندگان، حق ندارند به زیان پیامبر و یاران وی، گامی بردارند و به وسیله‌ی زبان و دست،

۱. بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۱۱۰-۱۱۱.

اقتصادی مدینه در دست آنان بود. آنان از گسترش اسلام در مدینه سخت هراسناک بودند، جنگ سرد و شعارهای زننده‌ای را بر ضد پیامبر به راه انداخته بودند و عملاً پیمانی را که با پیامبر ﷺ بسته بودند، زیر پا نهادند. این جنگ سرد مجوز آن نبود که پاسخ آنان با سلاح داده شود، ولی پیامبر ﷺ برای اتمام حجّت به بازار این قبیله آمد و آنان را نصیحت کرد، ولی آنان از سخنان پیامبر ﷺ پند نگرفتند.<sup>(۱)</sup>

چیزی نگذشت زن مسلمانی که در بازار آنان مشغول فروش کالا بود و کاملاً مواظب بود که صورتش را کسی نبیند، ولی یهودیان بنی قین قاع اصرار داشتند که پرده از چهره‌ی او بردارند. یک مغازه‌دار (زرگر) یهودی، در حال غفلت، پایین لباس او را به پشت پیراهنش سنجاق کرد و پس از لحظاتی آن که زن برخاست، قسمتی از بدن او نمایان شد و جوانان یهودی او را به مسخره گرفتند.

اهانت به این زن مسلمان سبب شد که یک نفر مسلمان، آن مرد زرگر را کشت. در این هنگام یهودیان به صورت

دسته جمعی آن فرد مسلمان را کشتند. خبر به داخل مدینه رسید و جام صبر مسلمانان لبریز شد. پیامبر ﷺ تصمیم گرفت که کارشکنان و مخالفان وحدت سیاسی را تنبیه کند و به آنان اخطار کرد که هر چه زودتر با تحویل اسلحه، مدینه را ترک کنند و زیر نظر افسری به نام عباده بن صامت، این کار صورت گرفت و همگان به «وادی القری» و از آن جا به «اذرعات» کوچ کردند.<sup>(۲)</sup>

اگر آنان بر پیمان خود وفادار می‌ماندند و نفرت مذهبی و تفرقه‌افکنی و حرمت‌شکنی نسبت به مسلمانان را رها می‌کردند، می‌توانستند در میان مسلمانان به زندگی خود ادامه دهند.

### سرگذشت بنی‌نضیر

قبیله‌ی بنی نضیر با این‌که سیاست پیامبر ﷺ را در برابر قبیله‌ی بنی قین قاع به چشم خود دیدند، دست از توطئه برداشتند. روزی که پیامبر برای کاری به بیرون دژ آنان رفته بود، سران یهود

۱. واقدی، مغازی، ج ۱، ص ۱۷۶.

۲. همان، ص ۱۷۷ و ابن سعد، طبقات،

ج ۲، ص ۳۸.

اعدام بودند.

### سرگذشت بنی قریظه

در سال پنجم هجری، یهودیان خیبر نزد سران قریش رفتند و آنان را تحریک کردند که سپاهی گران از همه‌ی قبایل عرب فراهم آورند و با حمله‌ی به مدینه، مسلمانان و پیامبر صلی الله علیه و آله را قتل عام و اسلام را ریشه کن سازند و در نتیجه مشرکان قریش و یهود خیبر، مدینه را محاصره کردند، ولی پس از یک ماه زد و خورد، دشمنان مهاجم در هدف خود، ناکام ماندند و پراکنده شدند، ولی در اثنای جنگ، یهودیان بنی قریظه که در مدینه زندگی می‌کردند، به طور سری با یهودیان مهاجم، هم‌دست شدند و عهدنامه‌ای که با پیامبر صلی الله علیه و آله امضا کرده بودند، پاره کردند و آماده شدند تا در رزم به سپاه مهاجم بپیوندند.

وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله از خیانت آنان آگاه شد، دو نفر از یاران خود را فرستاد که سران بنی قریظه را از این کار پشیمان سازد، ولی آنان فریب یهودیان خیبر را

تصمیم گرفتند که از این رویداد، بهره بگیرند و به حیات پیامبر صلی الله علیه و آله خاتمه دهند و با خود می‌گفتند: اکنون که محمد صلی الله علیه و آله در تیررس ماست، بهتر است انتقام خود را بگیریم و او را در همین جا ترور کنیم و کیفیت ترور را این‌گونه طراحی کردند که یکی از یهودیان به نام «عمرو بن حجاج» آماده شد که بر بالای بام پرود و با افکندن سنگ بزرگی بر سر پیامبر صلی الله علیه و آله، به زندگی او خاتمه دهد.

پیامبر از رفت و آمدهای مرموز بنی‌نضیر، احساس توطئه کرد و از دیوار دژ فاصله گرفت و به مدینه بازگشت و به خاطر همین، آنان را به کوچ کردن از مدینه وادار ساخت. (۱)

اگر آنان از سرگذشت بنی‌قین قاع درس گرفته بودند، با کمال آزادی در درون و اطراف مدینه زندگی می‌کردند، ولی توطئه‌های خطرناک آنان، حاکی از آن بود که دل به پیمان نبسته و پیوسته در پی فرصت بودند که پیمان خود را بشکنند و با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ستیز کنند، لذا پیامبر صلی الله علیه و آله به حکم آن پیمان، سبک‌ترین مجازات را برای آنان در نظر گرفت؛ در حالی که طبق پیمان، مستحق

۱. واقعی، مغازی، ج ۱، ص ۳۶۴ و ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۱۹۱.

خوردند و در داخل مدینه، مردان مسلح آنان، زنان و کودکان بی‌دفاع مسلمانان را تهدید می‌کردند. آن‌گاه که به عللی، دشمن مهاجم نتوانست از خندق عبور کند و پس از یک ماه محاصره، ناچار به عقب‌نشینی شد، مشرکان قریش به مکه و یهودیان خیبر به دژهای خود برگشتند. پیامبر تصمیم گرفت که بنی‌قریظه را سخت تنبیه کند. سرانجام بیشتر مردان جنگ‌جوی هر سه قبیله به خاطر پیمان‌شکنی‌ها اسیر و تبعید یا کشته شدند.<sup>(۱)</sup>

پیامبر الهی که از جانب خدا مأمور ابلاغ رسالت است، آیا می‌توانست با وجود این افراد خطرناک و پیمان‌شکن به رسالت خود، ادامه دهد؟ آیا چنین گروهی، سزاوار گذشت بودند؟

### یهودیان خیبر

پیامبر ﷺ پس از مجازات این سه قبیله تصمیم گرفت، کانون فساد را درهم شکند. زیرا ریشه‌ی همه‌ی این فتنه‌ها یهودیان خیبر بودند که در نه دژ استوار زندگی می‌کردند. محاصره‌ی دژهای نه‌گانه و جان‌فشانی‌های امیرمؤمنان،

علی علیه السلام در گشودن این دژها باعث شد که این کانون فساد، ویران شود و این ریشه‌های فساد، سرزمین حجاز را ترک کنند و در صورت مقاومت، کشته شوند.<sup>(۲)</sup>

این سیاست عاقلانه‌ی دفاعی پیامبر بود که در آن کمترین استفاده‌ی از سلاح و کشتار صورت گرفت و تبعید را بر کشتار ترجیح داد. آیا یک فرمانروای الهی که مدت کمی از عمر او باقی مانده و مأمور است پیام الهی را برساند و برای مؤمنان امنیت اجتماعی فراهم آورد، می‌توانست از این توطئه‌ها چشم‌پوشی کند؟

### بهره‌برداری از این سیاه‌نمایی

هدف از این سیاه‌کاری چیست و قرار است چه نوع بهره‌برداری از آن انجام شود؟

مسئلاً صهیونیسم جهانی سفارش دهنده‌ی این نوع مقالات مظلوم‌نمایانه

۱. سیره‌ی ابن‌هشام، ج ۲، ص ۲۳۵ و تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۴۵-۲۴۶.
۲. سیره‌ی حلبی، ج ۳، ص ۳۶ و تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۶.

«و می‌خواهند نور خدا را با دهان‌هایشان خاموش کنند، ولی خدا نور خود را به کمال می‌رساند؛ هر چند کافران را خوش نیاید».

آیین اسلام که برای رهانیدن ملت‌ها از یوغ بردگی قدرت‌های بزرگ و خرافات مذهبی همچون بت‌پرستی و پرستش بزرگان و نیز تنظیم یک زندگی انسانی همراه با آزادی و عدالت و کرامت به جهانیان عرضه شده بود و با سرکوب بت‌پرستان قریش روبه رو بود که از حمایت قدرت‌هایی چون روم و ایران و دسیسه‌ی یهودیان خبیر و ثروت آنان بهره‌مند بود، طبعاً حق دفاع از این آزادی و کرامت را با روش‌های انسانی برای خود محفوظ می‌داشت و در برابر توطئه‌های مختلف براندازی و شکنجه و آزار و کشتار جمعی ایستادگی می‌کرد.

است تا از این طریق، رژیم غاصب صهیونیستی را بر حق جلوه داده و هرگونه تجاوز و اشغال‌گری در سرزمین‌های اسلامی به ویژه در سرزمین وحی را از طرف نیروهای متحد صهیونیسم توجیه کند، و این حاکی از آن است که آز و طمع آنان، منحصر به قدس و فلسطین نیست، بلکه طمع آنان دامنه‌های گسترده‌تری دارد و آینده آن را نشان خواهد داد.

هدف مهم‌تر این که با این سیاه نمایی و مظلوم نمایی، جلوی پیشرفت اسلام را در غرب بگیرند و چنین وانمود کنند که پیشرفت اسلام در این چند قرن، در پرتو قدرت نظامی بوده است؛ نه منطق قوی و نیرومند و از این طریق علاقه‌ی جوانان غربی را به اسلام کاهش دهند. آن‌ها به دنبال خاموش کردن نور الهی هستند که قرآن درباره‌ی آن می‌فرماید: ﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾.<sup>(۱)</sup>